



## محله و کارکرد آن

پیرزاد زمانی<sup>۱</sup>

### چکیده

این تحقیق در پی پاسخ به این پرسش است که محله در زندگی شهرنشینان امروز چه جایگاهی دارد؟ و تفاوت‌های اقتصادی میان محله‌ها چگونه شکل می‌گیرد؟ بر پایه نتایج تحقیق محله یکی از ارکان اصلی شهر است که از قدیم‌ترین ایام تا کنون وجود داشته، سیر تطور و تحول تکاملی را پشت سر گذاشته و به یک انسجام و وحدتی دست یافته است. بازارچه، حمام، مسجد، دروازه‌های محلی و ... اجزای یک محله در گذشته بودند که اکنون برخی از آنها همچون حمام‌ها دیگر موجودیت ندارند. کارکردهای محلات بیشتر اجتماعی و فرهنگی بود. مردم محل با حضور در مسجد و دیگر امکان عمومی، فعالیت‌های اجتماعی انجام می‌دادند و این مهم در پرتو یک کلان مجموعه به نام محله قابلیت می‌یافت.

واژگان کلیدی: محله، شهرنشینی، جهان اسلام، ایران

### مقدمه

محله در زندگی شهرنشینان امروزی چه جایگاهی دارد؟ تفاوت‌های اجتماعی و تفاوت‌های اقتصادی میان محله‌ها چگونه شکل می‌گیرد؟ این‌ها سؤالاتی است که در مورد محله مطرح می‌شود. اگرچه محله به روزگار قدیم تعلق دارد و بیش تر اطلاعات ما در این خصوص از کتابهای تاریخی به دست می‌آید اما توجه به آن برای رفع مشکلات روزافزون شهرها با عناوینی چون واحدهای همسایگی و واحدهای خودیار در دهه‌های اخیر افزایش یافته است. محله‌های شهری به مثابه کوچک‌ترین واحد سازمان فضایی شهر، در پایداری شهری نقش اساسی ایفا می‌کنند. (توکلی نیا، ۱۳۸۸: ۳۰) شهر غالباً با یک ماشین یا یک اندام زنده مقایسه شده است. هرچند این مقایسه اکنون منتفی است. منتها این استعاره بیانگر ایده‌ای است که به موجب آن شهر یک نظام سازمان یافته است، از یک ساختار کلی (نقشه) برخوردار است که به اجزایی (محله‌ها) تقسیم شده است و وظایف خاصی را به عهده دارد: مسکن، کار و تفریح. (فیالکوف، ۱۳۸۳: ۲۴)

<sup>۱</sup> دانش آموخته کارشناسی ارشد جغرافیا دانشگاه اصفهان

بخش‌های مسکونی شهرهای سنتی جهان اسلام و از آن جمله ایران را « محله‌ها » تشکیل می‌دهند که دارای ساختاری خاص هستند. مطالعه این بخش‌ها برای پژوهشگران شهری خالی از اهمیت نیست. جدایی بین این مناطق و یا مجموعه محله‌های در شهر اسلامی، بسیار قوی است. این مناطق معمولاً از چند محله تشکیل می‌شده که اهالی با زبان، مذهب، حرفه، فامیل و اصل و نسب واحد و مشترک کنار یکدیگر زندگی می‌کرده‌اند. (شفقی، ۱۳۸۱: ۳۷۳)

در دنیای غرب، مطالعه محله به عنوان یک واحد اجتماعی، ابتدا به وسیله رابرت پارک و رودریک مکزی از پیشگامان اکولوژی شهری مکتب شیکاگو در سال ۱۹۲۶ آغاز می‌شود. این محققین شاید برای اولین بار در یک محدوده فیزیکی (محله) در شناخت گروه‌های اجتماعی، روی کیفیت زندگی گروه‌ها، کیفیت رفتارها، انواع بزه کاری‌ها، پراکندگی مبتلایان به بحران‌های روانی تأکید می‌کنند. بعدها در طرح اصول برنامه ریزی شهری، ارتباط اکولوژیکی در محله‌ها مورد توجه قرار می‌گیرد. معمولاً در محله‌های شهری، کیفیت واحدهای فیزیکی (محله) منطبق با رفتار اجتماعی است از این رو هر محله‌ای مشخصاتی جدا از سایر محله‌های شهری دارد. (شکویی، ۱۳۶۵: ۴۹)

احتمالاً اندازه معمولی یک واحد محله امروزی یعنی چیزی در حدود پنج هزار نفر یا کمتر است (مفورد، ۱۳۸۱: ۱۰۷). متأسفانه با پیشرفت‌های اقتصادی و اجتماعی بشر محله هم از نظر کالبدی و هم از نظر اداری و مدیریتی با مشکل مواجه شده است. احداث راه‌های استراتژیک در فاصله سال‌های ۱۸۵۳ و ۱۸۷۰، محله‌های فقیرنشین پاریس را شکافته و بافت قدیمی شهر را تقسیم کرده است. (فیالکوف، ۱۳۸۳: ۲۵) امروزه اکثر شهرهای سنتی به وسیله توسعه قسمت‌های جدید شهری از هم گسیخته شده‌اند. بازار قدیمی و محله‌های مسکونی جای خود را به خیابان‌های عریض جدید و مجتمع‌های آپارتمانی داده‌اند. (خیرآبادی، ۱۳۷۶: ۱۱۶)

### مفاهیم محله

محله، حرا، واحد همسایگی و واحد خودیار معمولاً اصطلاح‌هایی هستند که به جای هم دیگر برای بیان یک مفهوم در کتاب‌های برنامه ریزی شهری به کار می‌روند. به طور کلی در تعاریفی که از محله شده است به دو عامل روابط اجتماعی و فضای کالبدی آن اشاره شده است. ریشه واژه محله، « محل » است که به معنی « مکان » می‌باشد، مانند مکانی که فرد برای اردو زدن در آن توقف می‌کند. و به طور کلی مکانی است که مردمی با پیشینه قومی یا اجتماعی - فرهنگی / قبیله‌ای مشترک را در خود جای داده است. محله، یکی از عناصر شهری قابل توجه در پهنه فراگیر مدینه به شمار می‌رود. (حکیم، ۱۳۸۱: ۱۸۶) در ساده‌ترین تعریف، محله از خانه‌های مجاور هم در یک فضای جغرافیایی

خاص تشکیل می‌شود. (شکویی، ۱۳۶۵: ۴۸) محله مفهومی است از مسکن در رابطه با نیازهای گروهی متجانس از نظر صنفی و ضوابط اجتماعی. (مشهد زاده دهاقانی، ۱۳۷۵: ۳۲۰) مفهوم محله حدود اجتماعی‌ای است که گروه‌های اجتماعی در جابه‌جایی‌ها و در معاشرت هایشان تعیین می‌کنند. (فیالکوف، ۱۳۸۳: ۴۶) محله‌های مسکونی زیرسیستم‌هایی از سیستم شهری متشکل از عناصر کالبدی، موقعیتی، اجتماعی، اقتصادی، محیطی با کارکردهای مشخص می‌باشند که از تعامل بین آن‌ها هویت محله‌ای شکل می‌گیرد. (رهنما، ۱۳۷۵: ۷۵)

محله در زبان انگلیسی Quarter، در زبان فرانسه Quartier و در زبان آلمانی Viertel که به معنی یک چهارم است، نامیده می‌شود. پیدایش و اطلاق یک چهارم به محله‌های شهری منشأ تاریخی دارد که از شکل و ساختار کلی شهرها نشأت گرفته است، چه شهرهای بسیار قدیمی و باستانی معمولاً به وسیله دو شبکه راهی یا معبر عمومی عمود بر هم به چهار بخش مسکونی تقسیم می‌شده است. (شفقی، ۱۳۸۱: ۳۷۸) محله، مجموعه ساختمان‌های مسکونی و خدماتی است که از لحاظ بافت اجتماعی و ساکنانش خود را اهل آن محل می‌دانند و دارای محدوده معین است. حدود محله‌های شهر تابع تقسیمات شهرداری است. در واقع محله یک واحد جغرافیای شهری است که حدود آن را نه عوارض طبیعی بلکه بیش تر قابلیت ارائه خدمات شهری تعیین می‌کند. (رهنمایی، ۱۳۸۷: ۵۷)

منظور از محله «واحدهای اجتماعی» واقعی است که تا اندازه‌ای ناخودآگاه به وجود آمده‌اند و در مدت کم و بیش طولانی شکل ثابت و پایداری به خود گرفته، هر کدام دارای محدوده و شکل معینی شده‌اند این گونه محدوده‌ها به نام محله‌های شهری خوانده می‌شوند. این محله‌ها در حقیقت شکل مجتمعی از گروه‌های محلی که دارای یک نوع همبستگی و خصوصیات اجتماعی مشترک در داخل شهر هستند به طوری که ویژگی هر محله برحسب مورد و مختصات اجتماعی آن را از سایر محله‌های شهری متمایز سازد. به این ترتیب در اکثر شهرهای بزرگ از دوران‌های گذشته بخش‌های بالنسبه مشخص به وجود آمده است که دارای نام معین و خصوصیات اجتماعی خاص هستند این نوع محله بندی گاه منطبق بر تقسیم بندی جغرافیایی شهر است و برحسب این عامل هر محله نام معینی به خود می‌گیرد. مانند بالا محله و پایین محله در بعضی شهرها. در شهرهای بزرگ جهان مانند لندن و پاریس نیز به نام مخصوص این محله‌ها که از زمان گذشته باقی مانده است، برخورد می‌کنیم. (توسلی، ۱۳۸۵: ۱۱۲) از نظر علم جغرافیا، محله واحد جغرافیایی مشخصی است در بطن شهر که از تأثیر متقابل داده‌هایی اعم از فیزیکی، اقتصادی و اجتماعی و حتی فرهنگی شکل گرفته و شخصیت جغرافیایی پیدا کرده است. (فرید، ۱۳۷۳: ۲۱۷)

هنگام بحث در مورد محله باید توجه داشت که با ناحیه و منطقه شهری اشتباه نشود. محله با ناحیه شهری و منطقه شهری که در شهرهای امروزی ما وجهه رسمی تری دارند، و در طرح‌های شهری از آن‌ها بیش تر نام برده می‌شود، تفاوت‌هایی دارد. اولاً از نظر جمعیت و وسعت محله، از ناحیه و منطقه شهری کوچک تر است ثانیاً محدوده‌های اداری که نواحی شهری را از یکدیگر تفکیک می‌کند (مانند ناحیه یا منطقه) برای بیان واقعیت جامعه‌شناسی محله‌های شهری کافی نیست زیرا در این ناحیه بندی‌ها همسانی و یکنواختی داخلی محله‌ها چندان مورد توجه قرار نمی‌گیرد. (توسلی، ۱۳۸۵: ۱۱۲) بنابراین مطالعات جغرافیایی در محدوده شهرها در سطح محله انجام می‌شود. تقسیم شهرهای ایران به بخش‌های چندی، در واقع تقسیم بندی اداری است که ممکن است دو یا چند محله را از لحاظ ساختار و واقعیت جغرافیایی با هم متباین هستند، دربرگیرد و نتیجه تحقیقات را واژگونه نشان بدهد. (فرید، ۱۳۷۳: ۲۱۷)

### خاستگاه محله

در مورد خاستگاه محله نظریات مختلفی وجود دارد که به نظر دیدگاه لوئیز ممفورد در این زمینه بسیار راهگشاست. او در کتاب خود خاستگاه و به نوعی مادر محله شهر را ده و روستا می‌داند. اگر به خاستگاه‌های اصلی آن توجه کنیم، محله در واقع همان ترکیب قدیمی ده است که برای زندگی متعادل شهری لازم بوده و مرکزی برای فرهنگی والاتر و انجمنی سودمند و هدفدار است. (ممفورد، ۱۳۸۱: ۶۶۷) نظم و پایداری روستا، همراه با محیط بسته و مادرانه و صفا و صمیمیت آن، و نیز یکرنگی آن با قوای طبیعت، به شهرها منتقل شد. برای همین است که اگر کسی در یک شهر بزرگ سردرگم شود، هر جا باشد، باز خود را در یک ناحیه و یا محله معینی می‌یابد. بدون این هویت محلی و بدون این احساس مادری شهر، جوان روحیه خود را می‌بازد و شاید توان لازم را برای اینکه انسان کاملی بشود، همراه با نخستین تعهد انسان دوره نوستگی، یعنی دل بستگی به زندگی و پرورش آن از دست بدهد. شهرها به فرهنگ روستایی مدیون هستند. (ممفورد، ۱۳۸۱: ۴۳)

### جدایی‌هایی مکانی

محله به نوعی محصول جدایی مکانی در شهرهاست. این جدایی مکانی یک مفهوم اکولوژیکی است که آبخور آن مکتب اکولوژی شیکاگو است. گوناگونی انواع مسکن و توزیع شان در شهر بارزترین نشانه‌های جدایی گروه‌های اجتماعی است. می‌گویند هر شهری «محله‌های اعیان نشین»، «محله‌های فقیرنشین»، و «محله‌های مشکل» اش را دارد و این اصطلاحات همان قدر که رایج اند، محل منازعه نیز

هستند. (فیالکوف، ۱۳۸۳: ۲۷) ترکیب تمرکز و آمیزش، همراه با جداسازی و دگر اندیشی بین خود و دیگران از نشانه‌های بارز فرهنگ شهری بود (ممفورد، ۱۳۸۱: ۸۷)

جدایی مکانی در شهرها یکی از متغیرهای اکولوژیک است که گاه آگاهانه و زمانی ناآگاهانه به وجود می‌آید. (توسلی، ۱۳۸۵: ۱۳۶) فرایندهای جدایی بسیار پیچیده اند و در این زمینه چندین عامل تأثیر گذار هستند. (فیالکوف، ۱۳۸۳: ۷۸) عوامل متعدّد و پیچیده‌ای چه از نظر احتیاج‌های عملی و چه از نظر جامعه‌شناسی در تمایز بخش‌های شهری مؤثر است. این عوامل را می‌توان تحت عناوین زیر مورد توجه قرار داد.

الف. عامل ارتباطی: بهای زمین بر حسب موقعیت محل؛

ب. عامل تاریخی: محل عبور گذرها و محله‌های مسکونی؛

ج. عامل سیاسی: تصمیمات و نقشه‌های مقام‌های مسئول؛

د. عامل جامعه‌شناسی: روابط قدرت در گروه‌های مختلف اجتماعی و عوامل مذهبی؛

ه. عامل روانشناسی اجتماعی: وجه نظر جمعی و تمایل به هم‌سنخی اجتماعی (تمایل به سکونت بین اشخاصی که دارای منابع زندگی مشترک، فرهنگ مشترک و سطح اختیارات مشترکی هستند) که موجب هم‌بستگی بین افراد یک گروه یا تضاد و دشمنی بین گروه‌های مختلف می‌شود. (توسلی، ۱۳۸۵: ۱۱۰)

جدایی می‌تواند اجتماعی و نژادی باشد در حالی که جدایی نژادی غالباً و هم‌زمان هر دو را در برمی‌گیرد. جدایی اجتماعی از رفتار شخصی و جمعی سرچشمه می‌گیرد: نپذیرفتن تفاوت، زندگی نکردن با انسان‌هایی که تصوّر می‌شود شیوه زندگی بسیار متفاوتی دارند. نیاز به حس اطمینان برای در میان افراد خودی بودن به ویژه اگر فرد جزء اقلیت‌ها یا در کشوری بیگانه باشد. به نظر می‌رسد که برای اکثریت در مقابل اقلیت در واقع یک آستانه تحمل وجود دارد که فراتر از آن خطر واکنش منفی و عدم پذیرش را افزایش می‌دهد. می‌توان از خود پرسید که اگر وجود این آستانه نشانه فرهنگ ضد نژادپرستی نیست تا چه حد واکنشی غریزی برای دفاع خواهد بود. جدایی، تفاوت‌های ارزش زمین به بار می‌آورد و ارزش‌های ملکی و استیجاری بناها، واحدهای مسکونی و فروشگاه‌ها را نابرابر می‌سازد. جدایی جابجایی‌های درون شهری همراه با ارتقای اجتماعی به وجود می‌آورد یا به عکس موجبات افت آن را فراهم می‌کند و خود از خویشتن تغذیه می‌کند. به جدایی‌های فضایی برحسب قومی، درآمدی یا

اجتماعی - شغلی، جدایی‌های دیگر می‌تواند اضافه شود یا روی آن‌ها قرار گیرد مثل نوع و ابعاد خانواده، سن، درآمد. (باستیه، ۱۳۷۷: ۸۸)

محله‌های مسکونی در شهرهای ایران، حوزه‌های اجتماعی مختلفی بوده‌اند. تفاوت‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و ... آن‌ها را به صورتی مشخص از هم دیگر جدا می‌کرده است. تقسیم بندی شهرها به محله‌ها، کوی‌ها و برزن‌های متفاوت از یکدیگر به علل مختلفی بوده است. از جمله این علل می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. گاه برای سهولت اداره شهرها، آن‌ها را به محله‌هایی تقسیم کرده‌اند.
  ۲. در بعضی مواقع برای جداکردن گروه‌های مختلف دینی و مذهبی از یکدیگر این امر صورت می‌گرفته است: مثل محله یهودی‌ها، زردشتی‌ها، محله مسلمان‌ها محله حیذری‌ها و نعمتی‌ها و غیره.
  ۳. برای جداکردن گروه‌های قومی مختلف، محله‌های گوناگون شکل گرفته‌اند: مانند محله کردها، ترک‌ها و ...
  ۴. در بسیاری از شهرها جدایی طبقاتی نیز جدایی محله را به همراه داشته است: مانند محله اغنیا و محله فقرا.
  ۵. گاه مسائل نظامی و سیاسی نیز باعث تقسیم بندی‌هایی در شهرها می‌شده است: مثلاً ارگ شهر و محل حاکم نشین خود محله‌ای را تشکیل می‌داده است.
  ۶. جدایی شغلی نیز گاه محله‌هایی را به وجود می‌آورده استک مثل محله مسگرها، محله گازرها و غیره.
  ۷. گاهی نیز عوامل طبیعی مانند وجود رودخانه، تپه و غیره باعث جدایی محله‌های یک شهر از هم دیگر بوده است. (دهاقانی، ۱۳۷۵: ۳۲۰)
- در گذشته مرز محله‌ها را ضوابط قومی، دینی، مذهبی و نظایر این‌ها تعیین می‌کردند. امروزه به دلیل دگرگونی در طبقه بندی منزلت اجتماعی و اقتصادی در شهرها ضوابط گذشته تقریباً از بین رفته‌اند. از این رو شهرها برای سهولت در امر خدمات رسانی به مناطق مختلف تقسیم می‌شوند. (رهنمایی، ۱۳۸۷: ۵۷)

### پویایی محله

هیچ محله‌ای به طور مستقل وجود ندارد و تغییرات داخلی آن از نیروهای برون‌زا مانند مهاجرت و نیروهای درون‌زا مانند رشد طبیعی جمعیت محله، ناشی می‌شود. نطفه اولیه محله، یک مسکن

موقتی است که در قسمتی از شهر بنا می‌شود. به تدریج با افزایش ساکنان همگون، محله از نظر اقتصادی و اجتماعی گسترش می‌یابد. ساکنان محله به تدریج محل سکونت خود را بهبود می‌بخشند: واحدهای مسکونی را افزایش می‌دهند و تجهیزات و تأسیسات بیشتری را به دست می‌آورند. با گذر زمان به ویژه در شهرهای دنیای سرمایه داری و در محله‌های مرکزی شهر، ساکنان ثروتمند محله را ترک می‌گویند و جای خود را به طبقة فقیر می‌دهند. اما در سال‌های اخیر همچنان که مردم از شهر به روستا مهاجرت می‌کنند در این شهرها، یک مهاجرت معکوس شروع شده است. یعنی طبقه مرفه شهری که قبلاً مرکز شهر را ترک کرده و به سوی حومه شهر مهاجرت کرده بود، با اتفاق افتادن پدیده‌ای که آن را اصالت بخشی<sup>۱</sup> می‌نامند، دوباره به محله‌های مرکزی برمی‌گردند. مثال‌های متعددی در این مورد در شهرهای دنیای سرمایه داری وجود دارد: «در پاریس محله لوماریان، کارتیبه لاتن، در واشنگتن، محله جرج تاون، در لندن، محله برانسیبوری، و استوک ول از آن جمله‌اند.» (شالین، ۱۳۷۲: ۷۹) ماندگاری ساکنان یک محله در ارتباط با نگهداری صحیح یک محیط طبیعی و دوام ارزش‌های ساختمانی آن است و شامل مراحل زیر می‌شود:

مرحله اول: محله در یک حالت متعادل است، استفاده از زمین کمتر تغییر می‌کند و ارزش اجتماعی مشاغل دارای یک نرخ تحرک معمولی است که کیفیت آن چندان تغییر نمی‌کند.

مرحله دوم: ظهور نشانه‌های عدم رسیدگی و نگهداری ناکافی محله. سن متوسط ساکنان بالا می‌رود و در حالی که با یک چرخش سریع ساکنان جدید افزایش می‌یابد. تراکم‌ها تقویت می‌شوند و فعالیت‌های جدید مستقر می‌شوند.

مرحله سوم: گروه‌های کم درآمد در محله پدیدار می‌شوند و اشغال بیش از حد محله با عدم امکانات در حفظ و نگهداری بناها همراه می‌شود. عدم سرمایه گذاری، نقص خدمات و نشانه‌های افت سطح زندگی در محله نمایان می‌شود.

مرحله چهارم: درجه نهایی آشفتگی، جمعیت از احساس تعلق به یک گروه خاص محروم است و به طبقات فقیر تنزل پیدا می‌کند. خرابی و تضعیف کادر زندگی که حداقل آن ایجاد نمونه‌های زندگی مانند اختصاص فضای کوچک‌ها برای زندگی و تجمع و کار در فضای باز (تعمیر ماشین، نقاشی روی دیوار) است، در این مرحله ظاهر می‌شود. در شهرهای شمال آمریکا به علت عوامل به وجود آمده،

۱. اصالت بخشی مجموعه فعالیت‌هایی است که به منظور «اصلاح و بهبود مسکن» و محیط مسکونی و *gentrification* تغییر در ترکیب واحدهای همسایگی و جایگزینی گروه‌های کم درآمد به وسیله ساکنان با درآمد متوسط و بالا در بخش مرکزی شهرها انجام می‌شود. (رهنما، ۱۳۷۵: ص ۷۵)

مالکان از حقوق خود صرف نظر می‌کنند. ترک مالکیت آن‌ها روی صدها زمین در بیشتر شهرها اثرات نامطلوب گذاشته است و به این دلیل است که «هوم استاد آکت Homestead Act» یا قانون زمین‌های مسکونی از سال ۱۹۷۳ تصاحب این خانه‌ها را به عنوان مالکیت ملی و دولتی پیش بینی می‌کند که پس از مرمت به افراد واگذار نماید. (شالین، ۱۳۷۲: ۱۱۳)

نظریه سیکل زندگی محله‌های شهری نیز حکایت از پویایی محله‌های شهری دارد. در این نظریه، عنوان می‌شود که به کارگیری قیاس ارگانیک در سیکل زندگی محله‌ها سابقه طولانی دارد. نگرش ارگانیک به محله‌های شهری، در واقع هویت طبیعی بخشیدن به آن‌هاست که از رشته‌های پزشکی، اکولوژی و تکامل بسیار تأثیر پذیرفته است. حتی کلرنس پری نیز محله یا واحدهای خودیار شهری را به صورت سلول‌هایی با هویت مشخص ارگانیک، اما در جهت عنصری از ارگانیکسم بزرگتر یعنی شهر می‌نگرد. در ۲۵ سال اخیر محله به مثابه ارگانیکسم مورد توجه روزنامه نگاران، مفسران رسانه‌های گروهی، سیاستمداران و استادان علوم اجتماعی به ویژه در ایالات متحده آمریکا قرار گرفته است که استعاره‌های مریضی و مرگ محله به شکل‌های مختلف مطرح شده است. در ناحیه مادرشهری نیویورک، بخش‌هایی به طور مرتب توسعه می‌یابند؛ در حالی که بعضی از بخش‌های قدیمی در دوره توالی اکولوژیکی و محله‌هایی نیز هنوز در مراحل اولیه تکامل به سر می‌برند. انحطاط و پژمردگی یک محله، مهاجرت به دیگر محله‌ها و حومه‌های شهری را سبب می‌شود. در این روند، حومه‌های جدیدی ایجاد می‌شود، محله‌های زیبایی به وجود می‌آید، بزرگراه‌های تازه‌ای احداث می‌شود، فروش اتومبیل‌های مدل جدید افزایش می‌یابد و در نهایت نوسازی بخشی از شهرها شروع می‌شود. همه این جریان‌ها به نفع گروه معینی است، بدین سان که سرمایه داران، صاحبان کارخانه‌ها و شرکت‌های ساختمانی به سودهای کلان دست می‌یابند و در مقابل، محله‌های قدیمی تر شهرها خدمات کمتری دریافت می‌کنند و خانواده‌های کم درآمد و فقیر شهری و مهاجران، واحدهای مخروبه بخش مرکزی شهر را برای زندگی خود انتخاب می‌کنند. سیکل زندگی محله‌های شهری بدین سان تحقق می‌یابد. بخشی از شهر برای همیشه به صورت پژمرده و در حال مرگ تدریجی باقی می‌ماند و بخشی دیگر به زیبایی و شادابی چشمگیر دست می‌یابد. (شکویی، ۱۳۷۹: ۴۳۴-۴۳۲)

### ضعف مفاهیم محله ای

به نظر می‌رسد که محله دیگر آن اعتبار و اهمیتی که در زمان‌های پیش داشته را دیگر ندارد. چرا که تا ۲۰ سال پیش، در اغلب شهرها، محله‌ها از اعتبار خاصی برخوردار بودند. اما در دو دهه گذشته، محله‌های شهرهای بزرگ به صورت جزیره‌ای در دریای فرهنگ ملی جامعه‌ها و خرده



فرهنگ‌های شهری در آمدند. تغییرات سیاسی، اجتماعی و تکنولوژیکی از اعتبار محله‌ای به عنوان عامل مهم در زندگی اجتماعی و فردی کاسته است. ۲۰ سال پیش محله‌های جدید شهری از نسلی تشکیل می‌شد که یا به ندرت از حوزه‌های روستایی آمده بودند و یا از شهرهای کوچک و شهرهای متوسط به شهرهای پر جمعیت مهاجرت کرده بودند. این عده معمولاً در محله‌های معینی جای می‌گرفتند. توسعه شبکه‌های تلویزیونی، باسواد، حمل و نقل شهری، جابجایی در فضاهای شهر را وسعت بخشید و آن سابقه ده‌ها سال اقامت خانواده‌ها در محله‌های معین را متزلزل ساخت. از طرفی زمانی که اتومبیل وارد خانه وادهای شهری شد، محله‌های نوساز و جدیدی به روی صاحبان اتومبیل گشوده شد. معیارهای محله نشینی که قبلاً بر پایه مذهبی، قبیله‌ای، شغلی و قومی بود شکسته شد. اگر سابقاً تعمیر کنندگان ساعت و تفنگ در محله ویژه‌ای مسکن داشتند امروزه معیارهای شغلی به کلی از محل انتخاب مسکن حذف می‌شود و به جای آن پایگاه اقتصادی و میزان درآمد قرار می‌گیرد.

زمانی بود که همسایگان به سبب نیاز فوری با قرض چند تخم مرغ و یا چند فنجان شکر روابط گسترده‌ای با هم برقرار می‌کردند و اکنون نقش این همسایگان مهربان را سوپرمارکت‌های کوچک و بزرگ با انواع تولیدات و مواد غذایی در اغلب ساعات شبانه روز انجام می‌دهند. سابقاً که همسایگان با تماس نزدیک از اخبار مهم شهری و جهانی با خبر می‌شدند امروزه این مهم را رادیو و تلویزیون‌ها، روزنامه‌ها، رادیوهای خارجی به میان خانواده‌ها می‌برند. گسترش تماس با تلفن شهری با دوستان و افراد خانواده، مشکلات فاصله را از میان می‌برد و افراد و خانواده‌ها را به گوشه‌های مختلف شهری می‌کشاند. روشن است که همه این‌ها در کاهش ارزش‌های محله‌ای بسیار مؤثر می‌افتد. (شکوئی، ۱۳۶۵: ۵۲-۵۱)

به صراحت می‌توان گفت در مادرشهرهای بزرگ، در طول سده گذشته همکاری و انجمن محله به میزان زیادی اهمیت اصلی خود را از دست داده بود. شمار زیاد جمعیت، ورود غریبه‌ها، تغییر فراوان محل اقامت، نبودن مراکزهای معین و مراکز عمومی برای دید و بازدید، همه این‌ها دست به دست هم دادند تا فرایند تثبیت کننده زندگی محلی را تضعیف نمایند. لیکن در شهرهایی مانند پاریس که یگانه و یکپارچه بودند، بنا به بررسی شومباردو لاو *chombart de Louwe*، کل زندگانی یک خانواده از طبقه کارگر، در «کارتیه» یا محله آن متمرکز شده است و تقریباً همان اندازه ریشه دوانیده و از نفوذ خارجی ایمن است، که گویی در دهکده‌ای با فاصله یکصد مایل از کاخ دولانکورود واقع شده است. (مفورد، ۱۳۸۱: ۶۶۸)

در دوره پس از جنگ در فرانسه و بسیاری از کشورهای اروپایی، با بحران مسکن قرین است. به تبع آموزه‌های لوکوربوزیه بسیاری از کشورهای غربی به مراکز شهر و محله‌های قدیمی پشت می‌کنند و

به ساخت صنعتی مجتمع‌های مسکونی بزرگ ارزان قیمت در حومه روی می‌آورند. اروپای شرقی هم از این قاعده پیروی می‌کند. (فیالکوف، ۱۳۸۳: ۴۲)

### عناصر یک محله

از طرفی هر یک از محله‌های شهری دارای منطقه نفوذی است که در آن مغازه‌ها، دارو خانه‌ها، مدارس، باشگاه‌ها، شعبه بانک و شعبه پست، تجهیزات عمومی و عبادتگاه‌ها قرار دارند که تنها مردم محله می‌توانند به آسانی در همه روزها از آن بهره‌مند شوند. اگر بخواهند از امکانات بیشتر شهری برخوردار شوند مثلاً به استادیوم‌های ورزشی و کتابخانه‌های بزرگ بروند باید از مرزهای محله را پشت سر بگذارند و از آن خارج شوند. (شکویی، ۱۳۶۵: ۴۹) سواژه زندگی روزانه یک محله را در دمشق در دهه ۱۹۳۰ این گونه توصیف می‌نماید:

دیوارهای میان خانه‌ها و نه خیابان‌ها قرار گرفته است. بعضی از خانه‌ها راه خروجی به خیابان اصلی ندارند، گرچه روبه روی این خیابان‌ها قرار گرفته‌اند. این دو ویژگی نشان می‌دهد که محله توسط خیابان‌ها احاطه نشده بلکه براساس نظر سواژه انبوهی از خانه‌ها روبه سوی کوچه‌ای واحد داشته‌اند. دروازه‌ای ورودی کوچه در شب بسته می‌شد تا ساکنان از گزند دزدان درامان بمانندند در محله یک بازار، یک حمام عمومی، یک نانوايي و یک آب نما قرار داشت تا نیازهای ساکنان را در زندگی روزانه‌شان تأمین کند. (تورو، ۱۳۶۸: ۳۶۵) به طور کلی عناصر یک محله به قرار زیر است:

### الف. معابر فرعی:

راه‌های که برای تأمین دسترسی بخشی از یک محله ساخته می‌شدند. طول این راه‌ها کمتر از طول معابر اصلی بود، اما محدوده‌ای که یک معبر فرعی آن را در بر می‌گرفت، متنوع بود. برخی از این معبرها دو محله را به هم مرتبط می‌ساختند و در نتیجه بین آن‌ها مشترک بودند و گروهی نیز تنها در محدوده یک محله قرار داشتند. شکل این معابر گاه مستقیم و گاه پیچ در پیچ بود. (سلطان زاده، ۱۳۸۵: ۲۶)

### ب. بازارچه:

بازار ابتدا جزیی از محوطه پرستشگاه و معبد بوده است و تنها بعدها بود که برای خود راهی به داخل محله‌های مسکونی شهر باز کرد. (مفورد، ۱۳۸۱: ۱۱۹).

در شهرهای بزرگ و متوسط در مرکز هر محله یک بازار کوچک متشکل از چند دکان مانند بقالی، قصابی، میوه فروشی و گاه نانوايي، نجاری و پینه دوزی که نیازهای روزانه و هفتگی مردم محله را

تأمین می‌کردند، دجود داشت و معمولاً بازارچه نامیده می‌شد. وسعت هر بازارچه و تعداد دکان‌های آن بستگی به وسعت و جمعیت هر محله داشت. فضای محله‌ها و بازارچه‌ها دو نوع بود نخست به صورت میدانچه و نوع دوم به صورت یک گذر بود که در بخشی از معبر اصلی محله قرار داشت. در مواردی عرض آن بخش از معبر که بازارچه در آن جای داشت، پهن تر از سایر قسمت‌های معبر بود تا توقف و داد و ستد خریداران و مردم محله ایجاد مزاحمت برای عابران نکند. بازارچه‌های همدان و تهران قدیم دارای این خصوصیت بودند. (سلطان زاده، ۱۳۸۵: ۲۹)

بازارچه‌ها در کنار معبر اصلی محله و گاهی در میدانچه مرکز ایجاد می‌شدند. در حالتی که بازارچه در کنار معبر اصلی قرار داشت، دکان‌ها در دو سوی معبر ساخته می‌شدند. در بازارچه‌های بزرگ و معتبر دکان‌های زیادی متصل به یکدیگر بودند و حتی بخشی از بازارچه نیز مانند بازارهای دائمی بزرگ مسقف ساخته می‌شد. اما بازارچه‌های کوچک تنها تعدادی دکان که گاهی منفصل از یکدیگر بودند در دوسوی معبر قرار داشتند. در بیشتر موارد در کنار این بازارچه‌ها بعضی از فضاهای عمومی محله مانند مسجد، حسینیه، سقاخانه و آب انبار ساخته می‌شد. نحوه استقرار این فضاها در کنار یکدیگر به خصوص در معابر ارگانیک دارای نظم و ترتیب ثابت و معینی نبود. (سلطان زاده، ۱۳۸۵: ۵۳)

برخی از محله‌ها بزرگ در شهرهای مهم دارای بازارچه‌های مخصوص به خود هستند. چنین بازارچه‌هایی شامل مغازه‌هایی هستند که مشتریان محلی را با کالاهایی مانند لباس، کفش و لوازم منزل تأمین می‌کنند، ممکن است پیشه‌وران محلی نیز در آن یافت شوند مانند خیاط یا نجار، که کارگاه‌های شان در بازارچه در طول گذر اصلی یا جایی در دور میدان واقع است. گذر یا راسته اصلی، مرکز محله را به بازار اصلی شهر یعنی جایی که ساکنان می‌توانند کالاهای غیر روزمره را خریداری کنند، وصل می‌کند. (خیرآبادی، ۱۳۷۶: ۱۰۸)

### ج. راه‌های محله ای

راه‌های هر محله به ساکنان آن بیش از دیگران تعلق داشت و آنان خود را محق می‌دانستند که در ایام ناامنی و جدال از ورود ساکنان محله‌های متخاصم به محله خود جلوگیری کنند. در یک نوع محله بندی، مرکز محله به صورت یک راسته در کنار بازارچه محله شکل می‌گرفت که در برخی از موارد، عرض آن بیش تر از سایر بخش‌ها بود، به گونه‌ای که مردم می‌توانستند از آن برای تجمع‌های کوچک استفاده کنند. برخی از این گونه گذرها پاتوق یک یا چند پهلوان و لوطی بودند. در موارد بسیاری کوی مزبور به نام آنان نامبرداری می‌شد، مانند «گذر لوطی صالح» در تهران. بنابراین راه‌های داخلی هر محله برای ساکنان آن جنبه عمومی و برای سایر اهالی شهر، در اوقات عادی، جنبه نیمه عمومی داشت. (سلطان زاده، ۱۳۸۵: ۳۵)

عرض راه‌های دسترسی ارتباط غیر مستقیمی با مرتبه و میزان خلوت‌گزینی دارد. (خیرآبادی، ۱۳۷۶: ۱۰۹) باریک‌ترین معابر یا بن بست منحصراً به وسیله ساکنان منازل واقع در آن‌ها یا ملاقات‌کنندگان شان مورد استفاده قرار می‌گیرند. این گونه معابر دارایی و ملک مشترک ساکنان محلی به شمار می‌آیند و اما کوچه‌ها، گرچه به عنوان دارایی و ملک شخصی محسوب نمی‌شوند، ولی دقیقاً ملک عمومی نیز نیستند، آنها معمولاً فقط به وسیله ساکنان محله مورد استفاده قرار می‌گیرند.

اگرچه میدان مرکزی، کانون محله است فعالیت‌های اجتماعی در طول کوچه‌ها نیز ادامه می‌یابد. برای مثال زن‌ها از خانه‌های مجاور گرد هم می‌آیند و روی سکوی جلوی هشتی شان می‌نشینند. در حالی که دور هم جمع شده اند بخشی از کارهای روزانه خود را مانند بافندگی و دوزندگی را انجام می‌دهند. کوچه‌های کوچک به ویژه بن بست‌ها به وسیله ساکنان محله و برای کلیه فعالیت‌های مختلف مورد استفاده قرار می‌گیرد این امر احساس حریم خصوصی را در ساکنان تقویت می‌کند. لذا یک غریبه (یک فرد غیر ساکن محله) هنگامی که در محله است به خوبی مورد شناسایی قرار می‌گیرد.

خیابان‌های اصلی (گذرها) از کوچه‌ها عریض‌ترند و استفاده بیشتری دارند. آن‌ها مراکز محله‌ای را به یکدیگر و هم‌چنین به بازار متصل می‌کنند و معمولاً به وسیله ساکنان همان محله‌های خاص جهت دسترسی به بازار مورد استفاده قرار می‌گیرند. بازار یا مرکز اصلی شهر تنها مکانی است که می‌تواند مورد استفاده اشخاص در هر شرایطی قرار گیرد. (خیرآبادی، ۱۳۷۶: ۱۱۰)

#### د. حمام

حمام تا سال‌های دهه ۱۹۵۰، در عین حال به یکی از مراکز اجتماعی در سطح محله تبدیل شد و رفتن به حمام گذشته از نظافت، جنبه تفریحی و استراحت نیز داشت. (حکیم، ۱۳۸۱: ۲۴۷)

#### ه. میدان‌های محله‌ای

در هر یک از محله‌های بزرگ و متوسط شهرهای تاریخی، یک مرکز محله وجود داشت. این مراکز از نظر کالبدی و شکلی به دو صورت وجود داشتند. نخست به صورت یک راسته یا گذر که کمی از گذرهای دیگر در محل استقرار فضاهای تجاری و اجتماعی، عریض‌تر بودند. نوع دوم مرکز محله به صورت میدانچه بود. این میدانچه‌ها اغلب در محل تقاطع چند راه یا در کنار راه اصلی محله قرار داشتند و در پیرامون برخی از آنان تعدادی دکان برای عرضه کالاهای ضروری روزانه و هفتگی اهالی محله قرار داشت. هم‌چنین مسجد، آب‌انبار، حمام و بعضی دیگر از فضاهای عمومی محله در کنار همین میدان ساخته می‌شد. (سلطان زاده، ۱۳۸۵: ۸۹)

حوزه کارکردی آن‌ها محدود به یک محله بود. معمولاً در شهرهایی که مرکز محله به صورت میدانچه بود، به تعداد محله‌های شهر، از این نوع میدانچه‌ها وجود داشتو موقعیت مکانی این میدانچه‌ها اغلب در کنار راه اصلی محله و به صورتی که دسترسی از نقاط گوناگون هر محله به آن، کمابیش به بهترین شکل ممکن صورت می‌گرفت، اما باید توجه داشت که در موارد بسیار مرکز محله در مرکز فیزیکی و هندسی محله نبود، یعنی فاصله همه واحدهای مسکونی واقع در محله نسبت به آن یکسان نبود، زیرا در بیشتر شهرهای تاریخی محله‌های مسکونی و مرکز آن‌ها نخست طراحی و سپس ساخته نمی‌شد، بلکه به تدریج شکل می‌گرفتند و در نتیجه در مواردی امکان ساختن میدانچه مرکز محله در مرکز فیزیکی محله وجود نداشت، در این صورت آن را در کنار یکی از راه‌های اصلی محله می‌ساختند تا از امکان دسترسی مناسبی به سایر مکان‌ها برخوردار باشد. (سلطان زاده، ۱۳۸۵: ۹۹)

میدان‌های محله‌ای دارای دو فضای بسته و باز بودند. فضاهای بسته پیرامون بسیاری از میدان‌های محله‌ای به فعالیت‌ها و فضاهای عمومی مانند مسجد، حسینیه، آب انبار، سقاخانه و دکان‌های فروش مایحتاج عمومی اختصاص داشت. فضاهای باز این میدانچه‌ها محل رفت و آمد، خرید و فروش، گذران اوقات فراغت بزرگسالان و محل بازی بچه‌ها بود. در هنگام عزاداری به مناسبت فوت یکی از ساکنان محله و به خصوص در هنگام عزاداری در دهه اول ماه محرم و نیز در ایا ماه مبارک رمضان، فضای باز مرکز محله (و هم چنین فضای بسته حسینیه یا مسجد کنار آن) محل تجمع مردم بود. در این مواقع محل اجتماع زنان و مردان در دو فضای متمایز جای داشت. در آن گروه از میدانچه‌ها که دارای ایوان و رواق دوطبقه بودند، معمولاً زنان در طبقه اول و مردان در طبقه همکف مستقر می‌شدند. در میدانچه‌هایی که تنها در یک طبقه دارای ایوان و رواق بودند یا حتی فاقد آن بودند، در هنگام تجمع، زنان در یک یا دو جبهه میدان و مردان در جبهه‌های دیگر مستقر می‌شدند. (سلطان زاده، ۱۳۸۵: ۱۱۲)

بیشترین فضا در محله در طول کوچه‌های باریک به سکونتگاه‌های خصوصی اختصاص یافته است. کانون محله یک میدان مرکزی است که معمولاً در محل تقاطع دو یا چند راه اصلی قرار گرفته است؛ این میدان مرکزی به نام مرکز محله نامیده می‌شود. در اطراف میدان مرکزی تعدادی از مغازه‌ها و چند ساختمان عمومی قرار دارند. معمولاً مغازه‌ها، شامل قصابی، نانوايي، بقالی، و میوه فروشی نیازهای روزمره ساکنان را فراهم می‌کنند. تعداد و تنوع مغازه‌ها بستگی به اندازه و اهمیت محله دارد. (خیرآبادی، ۱۳۷۶: ۱۰۸)

و. دروازه‌های محله ای

در بعضی از شهرهایی که در گذشته گرفتار ناامنی و اغتشاش می‌شدند، یا میان ساکنان محله‌های آن‌ها اختلاف و کشمکش وجود داشت، هر محله دارای یک یا چند دروازه بود که در هنگام اغتشاش یا شب‌ها آن‌ها را می‌بستند تا ساکنان محله از حمله و تجاوز دیگران در امان باشند. کمتر اتفاق می‌افتد که در کنار این گونه دروازه‌ها، فضایی شهری برای تجمع مردم شکل بگیرد زیرا که بیشتر محله‌ها دارای مرکزی بودند که بسیاری از فضاهای اجتماعی و عمومی محله در پیرامون آن قرار داشت. هم چنین در بسیاری از شهرها معدودی از کوچه‌ها به خصوص کوچه‌های بن بست دارای دری بودند که شب‌ها آن را می‌بستند. (سلطان زاده، ۱۳۸۵: ۱۵۱)

### ز. آب انبار

در نواحی خشک ایران، آب انبار یکی از بناهای عمده عمومی موردنیاز است و دست کم یکی از آن‌ها همیشه در مرکز هر محله یافت می‌شود. معمولاً چندین آب انبار در هر محله وجود داشته و در طول کوچه‌های اصلی واقع اندو خدمات دهی چنین آب انبارهایی برای محله‌های مخلف تأمین آب سرد و تازه است. (خیرآبادی، ۱۳۷۶: ۱۰۹)

بناهای عمومی مرکز محله، آب و خدمات مذهبی، اجتماعی و تفریحی را برای ساکنان تأمین می‌کنند. هر مرکز محله معمولاً دارای یک مسجد و یک حمام جهت رفع نیازهای اهالی محل است یعنی مرکزی برای عبادت و نماز و مکانی برای تطهیر (غسل و وضو) که قبل از نماز واجب است.

سایر بناها در مرکز محله ممکن است شامل حسینیه، زورخانه، آب انبار، قهوه خانه، مزار یا امام زاده و مدرسه باشد. در برخی محله‌ها، حسینیه به عنوان مسجد محلی عمل می‌کند و برای ادای نماز و انجام فرایض مذهبی و مراسم عبادی نیز به کار می‌آید تمامی این بناها لزوماً در یک محله به ویژه در یک محله کوچک وجود ندارند. گرچه محله‌های بزرگ تر معمولاً تمام آن‌ها را دارا هستند. تمامی مراکز محله‌ها نیازهای ساکنان پیرامون خود را تأمین می‌کنند و همه آن‌ها توسط خیابان اصلی یا گذرها به بازار متصل می‌شدند. توسلی (۱۹۸۲) یکی از گذرهای اصلی در یزد مشهور به گذر یوزداران را توصیف می‌کند که از میان دو محله اصلی، محله کوشک نو و محله فهادان می‌گذرد.

مراکز این محله‌ها در محل تقاطع گذر یوزداران و دو خیابان اصلی دیگر واقع اند. مرکز فهادان شامل یک بازارچه، میدانچه، زورخانه، آب انبار، حسینیه، مسجد، مدرسه، لباس شویی (یک پدیده صنعتی) و مزار یا حرم می‌باشد.

در مرکز محله کوشک نو هنوز می‌توان یک حسینیه، یک مسجد، یک آب انبار، بازارچه و یک کارگاه صباغی (رنگرزی) را مشاهده کرد. هم چنین بقایای یک دروازه، بقایای یک آسیاب و یک کاروانسرای متروکه وجود دارد. (خیرآبادی، ۱۳۷۶: ۱۰۹)

### روابط اجتماعی در محله‌های مسکونی

هر محله یک محیط زندگی خودمانی خاصی را که دارای مختصات اجتماعی و معنوی مستحکمی برای افراد و خانواده هاست، به وجود می‌آورد زیرا هر محله یک اجتماعی کوچک «طبیعی» است که برای برقرار شدن روابط اجتماعی محیط بسیار مساعدی به وجود آورده است (البته روابطی را که از حدود یک محله خارج می‌شود را نمی‌توان نادیده گرفت) خصوصیات هر محله برحسب زندگی اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی کم و بیش صورت ویژه و شکل دقیقی به خود می‌گیرد. محله سرچشمه به وجود آمدن گروه‌ها اجتماعی فرعی است که برای زندگی اشخاص بالغ و خیلی بیشتر برای زندگی و توسعه گروه‌های جوانان اهمیت زیادی دارد. تشکیل گروه‌های جوانان (کانگ‌ها) معمولاً از محله‌های معینی شروع می‌شود. (توسلی، ۱۳۸۵: ۱۱۳) در این مورد از گروه موزیک بیتل‌ها نام برد که این شیوه موزیک، ابتدا از محله‌ای در شهر لیورپول انگلستان به پایتخت کشور یعنی لندن رسید و سپس به اغلب پایتخت‌ها و شهرهای جهان جریان یافت. (شکویی، ۱۳۷۷: ۱۱۵)

مجاورت مکانی در روابط اجتماعی نقش مهمی دارد. به عبارت دیگر طرز استقرار انسان در مکانی که زندگی می‌کند در ماهیت و نوع روابط اجتماعی که افراد با یکدیگر برقرار می‌نمایند، منعکس می‌شود. بدیهی است که مجاورت مکانی همواره منجر به همسایگی و آشنایی نمی‌شود. (توسلی، ۱۳۸۵: ۱۱۸)

یکی از ویژگی‌های محله به خاطر اهمیت روابط اجتماعی و زندگی روزانه آن هاست. نویسنده عربی در کتابش درباره زندگی روزانه دمشق‌ها در قرن‌های ۱۹ و ۲۰ چنین می‌نویسد: «ساکنان محله‌ها خانواده‌ها، قوم و خویش‌ها و دوستان یک دیگر را بسیار خوب می‌شناختند و مغازه داران در نبش کوچه‌ها مراقب رفت و آمد غریبه‌ها و ساکنان بودند. اگر غریبه‌ای وارد محله می‌شد به آسانی مورد شناسایی قرار می‌گرفت. کوچه‌های باریک و پیچ‌پیچ، زنان محله را از چشم غریبه‌ها مصون نگاه می‌داشت. ساکنان محل همسایه‌های شان را به مهمانی‌ها و جشن‌های سالیانه خود دعوت می‌کردند و از این رو علائق مشترکی میان شان وجود داشت. از نوشته‌های سواژه اطلاعاتی را درباره هویت محله به عنوان یک گروه کوچک کاملاً پیوسته در زندگی روزانه به دست می‌آوریم. در این جا کوچه‌های باریک نقش مهمی در

پیوستگی ساکنان به یک دیگر در یک اقلیت کوچک و هم چنین در محافظت آن‌ها از غریبه‌ها برعهده داشت. (تورو، ۱۳۶۸: ۳۶۶)

### محله و گروه‌های قومی

محله به صورت یک واحد فیزیکی با هویت کاملاً مشخص اجتماعی، الگوهای مشترک زندگی، استفاده برابر از امکانات و مؤسسات عمومی، به عنوان ابزار کار برنامه ریزان شهری شناخته می‌شود. به نظر عده‌ای در برنامه ریزی شهری جدید لازم است که روی پیوند طبقات شهری و گروه‌های قومی و مذهبی تأکید بسیار صورت گیرد تا این بیگانگی و اضطراب دائمی مردم شهرها کاهش یابد. این عده معتقدند که ترکیب طبقات مختلف در محله‌ها سبب تقویت روابط اجتماعی - انسانی و کاهش محدودیت‌ها میان مردم شهرهاست. حتی این طرز تلقی در مورد گروه‌های قومی و مذهبی نیز صادق است بدینسان که اقامت گروه‌های قومی و مذهبی گوناگون در یک محله فکر تبعیضات نژادی و مذهبی هم چنین پیش داورى نسبت به این گروه‌ها را تضعیف می‌کند. از طرفی محله‌های متشکل از گروه‌های قومی و مذهبی با طبقات مختلف نه تنها از نظر اجتماعی بلکه از جهت فرهنگ پذیری و انتقال فرهنگی نیز مهم می‌نماید. شاید فکر ترکیب اجتماعی که پاره‌ای از برنامه ریزان شهری بدان معتقدند از زندگی و تقوای روستایی متأثر شده باشد که غنی و فقیر در نهایت آرامش در مجاورت هم به زندگی پراحساسی ادامه می‌دهند. در برابر این طرز تفکر، عده‌ای نیز عقیده دارند که دست یابی به این قبیل محله‌های مطلوب آن هم در شهرهای امروزی بسیار مشکل است. زیرا اگر هم در شهرهای امروزی غنی و فقیر و یا رنگین پوستان بتوانند در یک محله و در مجاور هم زندگی کنند این طبقه کم در آمد و گروه‌های نژادی همواره نظاره گر خوشبختی و رفاه خانواده‌های پر درآمد و سفید پوست خواهند بود و از همان ابتدای زندگی به طور غیرمستقیم در زیر بار سنگین تحقیر و احساس عدم برابری، شکسته و فرسوده خواهند شد چیزی که دور از شأن والای انسانی است.

در شهرهای امروزی، تنها عده معدودی از خانواده‌ها قادرند در هر منطقه و محله شهری که خواهند مسکن انتخاب کنند و این انتخاب تنها در مورد طبقه پردرآمد شهری صادق است و بقیه مردم شهر باید نسبت به پایگاه اجتماعی - اقتصادی خود در محله‌های معینی زندگی کنند. از این رو اکثر مردم شهری در انتخاب مسکن و محله مسکونی از آزادی کاملی برخوردار نیستند. از طرفی بیشتر خانواده‌های شهری به یک گروه اجتماعی - اقتصادی، قومی، نژادی، مذهبی و بالاخره به شیوه زندگی خاصی تعلق دارند و این وابستگی از میزان توانایی آن‌ها نسبت به انتخاب محله و منطقه مورد تقاضا می‌کاهد. (شکویی، ۱۳۶۵: ۴۴)

### نتیجه



همان طور که ملاحظه شد محله یکی از ارکان اصلی شهر است که از قدیم ترین ایام تا کنون وجود داشته، سیر تطور و تحول تکاملی را پشت سر گذاشته و به یک انسجام و وحدتی دست یافته است. بازارچه، حمام، مسجد، دروازه‌های محلی و ... اجزای یک محله در گذشته بودند که اکنون برخی از آنها همچون حمام‌ها دیگر موجودیت ندارند. کارکردهای محلات بیشتر اجتماعی و فرهنگی بود. مردم محل با حضور در مسجد، و دیگر امکان عمومی، فعالیت‌های اجتماعی انجام می‌دادند و این مهم در پرتو یک کلان مجموعه به نام محله قابلیت می‌یافت. محلات کم کم با تغییرات اقتصادی و صنعتی موجودیت گذشته خود را از دست دادند و کارکردهای اجتماعی آنها رو به افول رفت. با این حال، در برخی مناطق کماکان برخی کارکردهای اجتماعی محلات پابرجاست.

### منابع و مآخذ

- باستیه، ژان، و دزر، برنار. (۱۳۷۷) شهر. ترجمه علی اشرفی، تهران: انتشارات دانشگاه هنر؛ چاپ اول.
- برک پور، ناصر. (۱۳۷۸) مفهوم باهمستان در شهرسازی، مجله آبادی؛ مرکز مطالعات و تحقیقات شهسازی و معماری ایران، س ۹، ش ۳۴ و ۳۵.
- پاپلی یزدی، محمدحسین و رجبی سناجردی حسین. (۱۳۸۶) نظریه‌های شهر و پیرامون. تهران: انتشارات سمت.
- تورو، میورا. (۱۳۶۸) ساختار محله و نقش یاغیان، مجموعه مقالات شهرنشینی در اسلام. جلد سوم؛ مرکز فرهنگی خاورمیانه‌ای توکیو - ژاپن، ترجمه مهدی افشار، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- توکلی نیا، جمیله و استادی سیسی، منصور. (۱۳۸۸) «تحلیل پایداری محله‌های کلان شهر تهران با تأکید بر عملکرد شورایاری‌ها»، مجله پژوهش‌های جغرافیای انسانی. ش ۷۰؛ زمستان.
- حکیم، بسیم، سلیم. (۱۳۸۱) شهرهای عربی - اسلامی: اصول شهرسازی و ساختمان. ترجمه محمدحسین ملک احمدیو عارف اقوامی مقدم. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- خیرآبادی، مسعود. (۱۳۷۶) شهرهای ایران. ترجمه حسین حاتمی نژاد و عزت الله مافی. تهران: نیکا.

- رهنما، محمد رحیم. (۱۳۷۵) «معرفی و ارزیابی تئوری اصالت بخشی در فرایند احیای بافت‌های قدیم شهری»؛ فصلنامه *تحقیقات جغرافیایی*. سال یازدهم؛ شماره ۳؛ شماره پیاپی ۴۲.
- رهنمایی، محمد تقی. (۱۳۸۷) *مجموعه مباحث و روش‌های شهرسازی (جغرافیا)*. ویراست دوم، تهران: انتشارات شهیدی، مرکز مطالعات شهرسازی و معماری ایران.
- سلطان زاده، حسین. (۱۳۶۷) *مقدمه‌ای بر تاریخ شهر و شهرنشینی در ایران*. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- سلطان زاده، حسین. (۱۳۸۵) *فضاهای شهری در بافت‌های تاریخی ایران*. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- شالین، کلود. (۱۳۷۲) *دینامیک یا پویایی شهرها*. ترجمه اصغر نظریان. مشهد: انتشارات معاونت فرهنگی آستان قدس رضوی.
- شفقی، سیروس. (۱۳۸۱) *جغرافیای اصفهان* [ویرایش دوم]. اصفهان: انتشارات دانشگاه اصفهان.
- شکویی، حسین. (۱۳۷۷) *جغرافیای کاربردی و مکتب‌های جغرافیایی*. چاپ چهارم، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- شکویی، حسین. (۱۳۶۵) *جغرافیای اجتماعی شهرها، اکولوژی اجتماعی شهر*. تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.
- شکویی، حسین. (۱۳۷۹) *دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری (جلد اول)*. تهران: انتشارات سمت.
- فیالکوف، یانکل. (۱۳۸۳) *جامعه‌شناسی شهر*. ترجمه عبدالحسین نیک گهر، تهران: انتشارات آگه.
- مشهد زاده دهاقانی، ناصر. (۱۳۷۵) *تحلیلی از ویژگی‌های برنامه ریزی شهری در ایران*. تهران: انتشارات دانشگاه علم و صنعت.
- مفورد، لوئیز (۱۳۸۱) *مدنیت و جامعه مدنی در بستر تاریخ*. ترجمه: احمد عظیمی بلوریان، تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.